

واکاوی انگاره‌های بنیادگرایی سلفی در اندیشه شیخ ناصرالدین آل‌بانی

علی‌اکبر چهل تنان^۱، علی‌رضا گلشنی^۲، محمد آگاه^۳

چکیده

گفتمان سلفی علمی، بر اساس باور به وجود نارسایی در جامعه که برخاسته از انحراف عقیدتی و عبادی است شکل می‌گیرد و به همین جهت، مهم‌ترین هدف خود را دستیابی دوباره به زیست فراگیر اسلامی تعریف می‌نماید، با اعتقاد به این راهبرد که تغییر در ساخت سیاست منوط به بازسازی ساخت اجتماع است. بر اساس نظر رهبر این جنبش، این راهبرد در آینده به اصلاح جامعه و بعدتر به تشکیل حکومت اسلامی منجر خواهد شد.

این جریان با استفاده از سه انگاره «توحید»، «تبعیت» و «پالایش» تلاش می‌نماید، تا با نگاهی مبتنی بر واگرایی سیاسی، به بازسازی ساخت اجتماعی با هدف ایجاد تغییر در ساخت سیاست اقدام نماید و با تربیت افراد جامعه، زمینه را برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم نماید.

هدف پژوهش، بررسی انگاره‌هایی مورد استفاده جریان شیخ آل‌بانی است، انگاره‌هایی که آل‌بانی از صدر اسلام وام گرفته است و با بازتعریف‌شان، به آن‌ها کارویژه خاص اختصاص داده است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که: شیخ آل‌بانی جهت بازگشت به زیست فراگیر اسلامی، بنیان‌های فکری و معرفتی خود را چگونه تبیین نموده است؟ و چنین مفروض گرفته‌ایم که: آل‌بانی، در تلاش است تا با استفاده از این انگاره‌ها، به ایجاد حوزه مشروعیت‌سازی جهت تشکیل حکومت اسلامی اقدام نماید.

ما در این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی استفاده نموده‌ایم. ابزار گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و شامل بررسی کتاب‌ها، مجلات، مقالات، منابع اینترنتی و چندرسانه‌ای است.

کلید واژه: سلفی‌گری، سلفی آل‌بانی، توحید، تربیت و پالایش، تبعیت، ایمان.

^۱. گروه علوم سیاسی، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران (نویسنده مسئول):

ali.cheltanan@yahoo.com

^۲. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا: agolshani41@yahoo.com

^۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا: mohammadagah67@yahoo.com

۱- طرح مسئله

پدیده اسلام‌گرایی و سلفی‌گری^۱ در جهان اسلام با تاکید بر کتاب و سنت به گونه‌ای، جزئی از جنبش‌های اسلام سیاسی شمرده می‌شود.

«منظور از پدیده اسلام‌گرایی به طور عام، شکل‌ها و تعبیر مختلف در دوران معاصر است که از اسلام به مثابه روش زندگی الهام می‌گیرد. عرصه این پدیده ممکن است سیاسی، اجتماعی، فرهنگی یا عرصه‌های دیگر باشد. در واقع این جنبش‌ها ... همان نقشی را که واژه ملت در برخی از جوامع امروزی بازی می‌کند، برای اسلام در جوامع اسلامی قائل است.» (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ۱۸۸)

جنبش‌ها و گروه‌های اسلام سیاسی در دوران معاصر خود را سلفی می‌نامند و مراد از سلفی استناد به کتاب و سنت پیامبر و تابعین است. «از سلف در اصطلاح، معنای خاصی اراده می‌شود، صدر نخست از تابعین را سلف صالح می‌نامند، همچنین به جز صحابه، تابعین و تابع تابعین، سلف به پیشوایان مذاهب فقهی نیز گفته می‌شود.» (پورامینی، ۱۳۹۵: ۲۸) بر اساس اندیشه سلفی، جریان‌ات مختلفی درون جهان اسلام پدید آمد که طیف گسترده‌ای از جریان‌ات اسلام‌گرا را شامل می‌شود، محققان جهان اسلام، این جریان‌ات را بر اساس نیاز و ضرورت به دسته‌بندی‌های مختلف تقسیم می‌نمایند. مثلاً دغدغه برخی محققان غربی، «درک شناخت از نوع مواجه این جنبش‌ها با غرب و نوع برخورد آن‌ها با تجدد و مدرنیته است، که در نتیجه آن-ها را به غرب‌گرا یا غرب‌ستیز تقسیم می‌کنند.» (موثقی، ۱۳۸۴: ۵۶) «برخی سلفیان را به افراطی و معتدل تقسیم کرده‌اند، برخی دیگر به تکفیری و تبلیغی و عده‌ای نیز به چهار گرایش سلفیه معتدل، سلفیه اصلی، سلفیه آلبانی و سلفیه جهادی تقسیم نموده‌اند.» (احمدوند، ۱۳۸۴: ۳) در میان این جریان‌ات، جریان سلفی علمی به رهبری شیخ آلبانی، از شناخت کمتری در جامعه علمی برخوردار است و همین موضوع ضرورت بازبینی اندیشه‌های شیخ آلبانی را دو چندان می‌کند. اما جذابیت بررسی اندیشه‌های شیخ آلبانی برای انجام یک پژوهش آنجاست که

^۱ - با درنگ در معنای اصطلاحی سلف، سلفی کسی است که خود را به سلف پیوند زده و از راه و حرکتشان در زمینه ایمان و اعتقاد پیروی می‌کند.

شیخ آلبانی خود را یک سلفی می‌داند و براساس گفته فوبلی کویک: «سلفی‌گری به عنوان مکتبی تاثیرگذار و دینامیک در جهان اهل سنت، بیش از سایر مکاتب شایان بازنگری است.» (کویک، ۱۳۷۶: ۹) علاوه بر آن علی‌رغم تشابه فکری آلبانی با ابن تیمیه، در بسیاری از مسائل خصوصاً اعتقادی با وی اختلاف دارد و با توجه به مبانی عام نظری مشترک بین آلبانی با محمدبن عبدالوهاب و سیدقطب، شیخ از جمله کسانی است که سخت به اندیشه‌های عبدالوهاب و سیدقطب می‌تازد و بیش از این موارد، به دلیل استفاده شیخ از انگاره‌هایی متفاوت با انگاره‌های مرسوم در میان سلفیان، نیاز به واکاوی اندیشه شیخ آلبانی را مشخص می‌کند.

بر اساس آنچه بیان شد، هدف پژوهش حاضر واکاوی انگاره‌های^۱ مورد استفاده شیخ آلبانی است که با هویت سلفی‌گری سنتی خود را در ذیل پارادایم اسلامی تعریف می‌نماید و خواهان بازگشت به سیره سلف صالح است، و به دلیل تکرر و تنوع میان جریان‌های سلفی، سلفی‌گری آلبانی، به مثابه تصویری روشن از مکتب‌های سنتی گوناگون بسط یافته در کشورهای اسلامی است. علاوه بر آن، سلفی آلبانی حداقل سلفی سنتی و نوسلفی‌گری است؛ زیرا از یک سو انگاره‌های موجود در سلفی‌گری سنتی را بازتعریف می‌نماید و به آن‌ها کارویژه خاص، اختصاص می‌دهد و از سوی دیگر مانند نوسلفی‌ها، هویت‌های غیر را با حربه بدعت، مرتد می‌شمارد. در این باره «عصام العمد» می‌گوید:

«نمی‌توانیم بدون معرفت سلفیه آلبانی، با سلفیه معاصر آشنا شویم؛ چون سلفیه آلبانی برجسته‌ترین جنبش سلفی معاصر است و همه ما می‌دانیم شیخ آلبانی در نیمه دوم قرن بیستم، تاثیر بسیاری بر جریان سلفیه گذاشت و یک سلفی مجدد و ساختارشکن به حساب می‌آید. در روزگار معاصر پس از ظهور شیخ آلبانی، در سلفیه با یک سلفیه جدید روبرویم که با سلفیه تیمیه و سلفیه وهابی متفاوت است. این سلفیه جدید دارای ویژگی‌هایی است که در برخی امور با سلفیه تیمیه، و در برخی امور با

^۱ - آنچه که در زمینه نگرش غرب به اسلام و مرزهای هویتی در آثار نویسندگان غربی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، بیانگر وجود استلزامات و انگاره‌هایی پدیدارشناسانه است که با تقلیل دادن و فروکاستن مسئله یا پدیده از واقعیت خود، در پرتو آن تصویری درباره دیگران در چارچوب گزاره‌هایی قابل بیان صورت‌بندی می‌شود. در اینجا، اصطلاح انگاره منبعی از ایده‌ها یا تصورات بنیادین است که می‌توان براساس آن، گزاره‌هایی قابل بیان پدید آورد (آیوی، ۱۹۸۶: ۲۳).

سلفیه وهابی تفاوت دارد و البته برخی نقاط مشترک هم بین آن‌ها وجود دارد.»
(العماد، ۱۳۹۱/۵/۲۱ - خبرگزاری رسمی حوزه)

۲- چارچوب نظری تحقیق

«اصطلاح انگاره منبعی از ایده‌ها یا تصورات بنیادین است که می‌توان براساس آن، گزاره‌هایی قابل بیان پدید آورد.» (Ivie, 1986: 281) برطبق این تعریف، در انگاره از «روابط پیچیده میان متن، کلام، شناخت اجتماعی، قدرت جامعه و فرهنگ بر پایه درکی فراگیر سخن گفته می‌شود که با بهره‌گیری از ساختارهای کلان معنایی، تلاش می‌شود تا نحوه درک و شناخت و تبیین یک وضعیت خاص در هر فرهنگ مشخص شود.» (Dijik, 1993: 251)
بر این اساس منظور ما از انگاره، آن ایده‌ها و تصوراتی است که از پس یک‌سری روابط پیچیده فرهنگی و اجتماعی که ناشی از ساخت قدرت و اجتماع است با معنایی خاص، جهت جذب سوژه، به کار می‌رود.

علاوه بر این مفهوم، در این مقاله منظور از سلفی‌گری، نوعی جریان در تاریخ متأخر اسلامی است، که در عین ارتزاق از سلف‌گرایی، مبتنی بر مناسبات خاصی از قدرت سیاسی با رویکرد منحصر به فرد است که در معنای کلان، بر تمامی رهیافت‌ها و جریان‌های ایدئولوژیک دولتی و غیردولتی، قابل اطلاق است که درصدد تجدید حیات خلافت اسلامی تاریخی و بر ساختن جوامع سنی مذهب بر پایه قرائت سلفی از اسلام است. «در تعریف عملیاتی از مفهوم سلفی‌گری می‌توان آن را مقوله مشکک و دارای مراتب دانست که در عالم خارج، طیف وسیعی از سلفی‌گری سنتی و معتدل تا سلفی‌گری افراطی را در بر می‌گیرد.» (سیدنژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۴)
با توجه به این دو تعریف، جریانات سلفی، در پی‌آندند تا با بازتعریف انگاره‌هایی که از قرون ابتدایی و میانه اسلام در مبانی کلامی و فقهی علمای اهل سنت برجای مانده‌اند، حاکمیت استیلایی خویش را بر جوامع اسلامی بگسترانند و اجرای احکام شریعت را ساری و جاری نمایند.

سلفی علمی نیز از آن دسته جریانات سلفی است، که در پی تشکیل حکومت اسلامی و گستراندن سایه شریعت بر جوامع اسلامی است، اما وی عملاً برای رسیدن به چنین آرمانی،

روش تبلیغی را پیشه می‌کند. او با شعار «ترک سیاست عین سیاست مداری است»، دیگر جریان‌ات سلفی را به بهانه آلوده شدن به سیاست طرد و تکفیر می‌کند و از زنجیروارهای از انگاره‌ها جهت تبیین و بسط اندیشه خویش بهره می‌برد.

۳- مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سلفی

سلفیه هویت خود را در ذیل اهل جماعت و اهل سنت تعریف می‌کند، ولی واقعیت امر این است که میان جریان سلفی‌گری و اهل سنت و دیگر فرق اسلامی، تفاوت‌های ماهوی وجود دارد و بیش از آنکه بتوان آن‌ها را اهل سنت خطاب کرد باید آن‌ها را اهل حدیث دانست. «در واقع امروزه در تعریف سایه آشفته‌ای که از مفهوم اهل سنت ارائه می‌شود، جریان‌های سلفی-گری، واژه سلف را مصادره به مطلوب کرده‌اند...» (الگار، ۱۳۸۶: ۱۴)؛ بنا بر این، ضمن هشدار درباره یکسان انگاری سلف‌گرایی و سلفی و «تاکید بر تمایز بین جریان سلفی‌گری و اهل سنت و فرق اسلامی» (الکثیری، ۱۴۲۹: ۵۲۰) حد فاصل و فارغ این‌ها را باید در مبانی پایه‌ای جستجو کرد.

از آنجا که شیخ آلبنی خویش را سلفی می‌خواند، در مبانی پایه‌ای همچون هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی با دیگر سلفیان در تعریف مفاهیم اشتراکات مبنایی دارد. سلفیه از منظر هستی‌شناختی، جریان‌ی محسوس‌گرا و حسی است، که محصول این رویکرد، تجردگریزی تام در حوزه توحید ذاتی و عالم غیب است.

اساسی‌ترین مبنای معرفت‌شناسی آن نقل‌گرایی و ظاهرگرایی به معنای ارجحیت نقل بر عقل است و اتکا بر لوازم این رویکرد، ویژگی اصلی روش‌شناختی سلفیه در تعامل با عقل و نقل است. این تقدم و ارجحیت نقل بر عقل، هم به معنای حجیت و استقلال نقل در حکم و هم به معنی اولویت به هنگام تعارض با عقل و هم به معنای روش فهم وحی، شعار اصلی سلفی‌گری است که سرسختانه به آن پایبند است. این جریان حجیت و استقلال عقل در هر دو حوزه عقل نظری و عملی را باطل می‌داند. محدوده عملکرد عقل در نگاه سلفیه، به اجتهاد در فقه و مسائل مستحدثه محدود است و اعتقادات حوزه‌ای که است عقل اجازه ورود به آن را ندارد. ماحصل این رویکرد

معرفت‌شناختی در سلفی‌گری، اتکای صرف به نص و ظواهر کتاب و سنت براساس فهم سلف است (اله‌باشتی و میرزاابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۸۹-۹۰).

به لحاظ روش‌شناسی، اتکا بر نقل و نقل‌گرایی، منزلتی فراتر از حد متعارف نزد سلفیان یافته و از هویتی بی‌قیاس و بی‌بدیل برخوردار گشته است. این رویکرد مبتنی بر کفایت نقل، در همه عرصه‌های حیات انسانی، بر تمام نگرش‌ها و اصول سلفی‌گری حکم‌فرماست، تا جایی که مابقی اصول معرفت‌شناختی این جریان مبتنی بر اصل یادشده و از فرضیات آن به شمار می‌رود. اعتقاد سلفیان به چنین روش معرفت‌شناختی از ابتدای اعتقادات آنان بر نص قرآن است و بر اساس این ابتدا به سه مورد پایه‌ای اشاره می‌نمایند؛ «اولاً استدلال به نص قرآن و براهین قرآنی از ضروریات است که قرآن نیز بدان دستور داده است، دوم اینکه کتاب و سنت باید ترازوی سنجش عقل و عقلانیت باشد^۱، سومین دلیل هم اینست که هیچ استدلال عقلی معتبر و ارزشمندی وجود ندارد که قرآن بدان نپرداخته باشد.» (حلمی، ۲۰۰۵: ۱۶۴)؛ بنا بر این، با وجود نقل از استدلال عقلی بی‌نیازیم. در واقع هرآنچه عقل و براهین عقلی به دنبال اثبات آن هستند، در قرآن و سخن پیامبر آمده و هرآنچه در این دو منبع نیامده، گزاف و بیهوده است. بنا به اعتقاد ابن تیمیه و سلفی‌های پس از وی، عقل دارای چنان منزلت و جایگاهی نیست که به فرض تعارض و تراحم با نقل، محل اعتنا و اعتبار واقع شود، بلکه ملاک صحت و سلامت عقل، موافقت آن با نص کتاب و سنت است؛ زیرا در حوزه معرفت دینی، شان اصلی عقل و وظیفه آن، ادراک نص قرآن و نبی است، بدون آنکه چیزی بدان بیافزاید و صلاحیتی فراتر از این ندارد. تحلیل رابطه عقل و نقل در مبانی فکری و معرفتی سلفیان، بیانگر موضع آنان در برابر احادیث و منابع روایی نیز هست. در تبیین این موضوع باید گفت،

سلفیان در برابر هر پدیده نوظهوری که در نص به آن اشاره نشده، موضع تردید و انکار در پیش می‌گیرند و همچنین با افزودن آرای صحابه و تابعین به سخنان پیامبر آنان را در ردیف سنت نبوی طبقه بندی می‌کنند. بر این اساس این مجموعه گسترده از منابع نقلی با ساختاری که بیان شد، به عنوان یک منبع مهم و معتمد قلمداد می‌شود

^۱ - ابن تیمیه، ۱۴۱۶ قمری: صص ۲۵۵-۲۵۶

که از حجیت و کاشفیتی انحصاری برخوردار است و اعتقاد سلفیان به این قداست، تا حدی است که اصل عرضه احادیث بر قرآن با هدف بررسی صحت و سقم آنان را شیوه زنادقه می‌دانند (روحانی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

مبانی معرفت شناختی سلفیان، مبتنی بر رویکرد خاصی از هستی شناسی است، که محصول آن، تعیین کننده نوع نگرش این جریان به خدا و جهان و انسان است، که البته بحث خداشناسی و توحید مهم‌ترین انگاره در تبیین اندیشه جریانات سلفی است، به‌طوریکه تحلیل خاص سلفی‌ها از مفهوم توحید، اساس بنیان فکری-معرفتی جریان سلفیه را نشان می‌دهد. سلفیان در بحث توحید و خداشناسی ضمن تأکید بر تاویل ناپذیری، صفات الهی را بر همان معانی ظاهری منقول در قرآن و حدیث حمل می‌کنند و «معتقدند که معانی این اوصاف و آیات، همان است که در چنین فرآیندی درک می‌شود.» (الکثیری، ۱۴۲۹: ۶۸)

از نگاه سلفیان، بهترین تعبیر در معنای «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» توحید عبادی است. به بیان دیگر این عبارت مقدس، نافی عبادت هر معبودی جز خداست. هرگونه واسطه‌ای که میان آنان و خدای متعال فرض شود، نوعی معبود به شمار می‌آید و آنان را به دام شرک می‌کشاند. این نظریه در بحث توحید چنان در نگاه سلفیان برجسته و معتبر است، که ملاک سنجش و ارزیابی ایمان و کفر قرار گرفته، به‌طوریکه با توجه به این نگاه، مسلمانان را به دو دسته کاملاً متمایز تقسیم می‌کنند، که یا موحدند یا اساساً مسلمان نیستند و دسته سومی در این میان وجود ندارد، موضوعی که در اندیشه آل‌بانی از دال توحید مشاهده می‌شود، به حدی که هر یک از این گفتمان‌ها فقط تعریف خودشان از مفهوم توحید را می‌پذیرند و دیگر گفتمان‌های سلفی را به واسطه نگاهشان به دال و انگاره توحید در دایره شرک قرار می‌دهند. «جایگاه ویژه این دیدگاه اعتقادی در ساختار فکری سلفیان موجب شد آنان عنوان «الموحدون» یا «اهل التوحید» را مختص خود بدانند و به طور ضمنی دیگر مسلمانان را آلوده به شرک بدانند.» (الگار، ۱۳۸۶: ۱۳)

۱-۳- شیخ محمد ناصرالدین آل‌بانی

سلفی آل‌بانی، در دورانی ظهور و بروز می‌یابد که جهان عرب، شاهد پیدایی جریانات افراطی سلفی با شعار جهاد و تکفیر، و با حربه ارباب و ارباب است. این جریانات با استفاده از بحران هویت ناشی از فرهنگ و استعمار غرب در جوامع اسلامی، در پی بسط و گسترش قدرت

خود در منطقه با اندیشه تشکیل خلافت اسلامی بودند.

«در حالی که جریان سلفی به سازمان‌ها و نهادهای ضعیف درون حکومت محدود شده بود و در همان زمان جهان عرب شاهد صعود جریان ملی‌گرا و چپ و چیرگی آن بر عرصه سیاسی اقتصادی و اجتماعی بود و تفکر اصلاح طلبی اسلامی نیز دچار سستی و رخوت شده بود و گفتمان‌های رادیکال و انقلابی سلفی در حال ظهور بودند، در چنین شرایطی شیخ محمد ناصرالدین آل‌بانی پایه‌های گفتمان سلفی جدید خود را بنیان گذاشت.» (ابورمان و هنیه، ۲۰۱۲: ۲۳۲-۲۳۳)

شیخ آل‌بانی مانند دیگر سلفیان، کتاب و سنت را به عنوان دو منبع اصلی جهت تبیین مبانی فکری و معرفتی خود برگزیده بود و به خاطر تأکید بر دعوت به بازگشت به روش و اصول علمی و عملی صحابه، به نام سلفیه علمی معروف شده است. «علی الحلبي» کار این جریان را تبلیغی می‌داند؛ «تبلیغی که در اصل دعوت به کتاب و سنت و نیز آزاد شدن پیروان از حصار تقلید است.» (الحلبي، ۲۰۰۷: ۵۶)

آل‌بانی هنوز بیست سال از عمرش نگذشته بود که با مطالعه مجله «المنار» رشید رضا، تحت تأثیر آن قرار گرفت و به سوی علم حدیث روی آورد. شخصیت آل‌بانی را از بعد تاریخی به خاطر اهتمام و اشتغال وی به حدیث و علوم حدیثی می‌توان اهل حدیثی نامید. شخصیتی که آل‌بانی داشت او را از سایر مدارس فقهی تقلیدی جدا کرد، به گونه‌ای که می‌توان وی را مؤسس تخصص جدید در سنت نبوی و علوم نبوی دانست که مواردی را علاوه بر عقائد اهل حدیث بدان اضافه نمود؛ از همین روی در محافل سلفی، آل‌بانی را «محدث دوران» می‌نامند. آل‌بانی به علوم نظری حدیثی اکتفا نکرد و شروع به دعوت مردم به سلفیه کرد.

آل‌بانی شخصیت محوری در شکل‌دهی به «سلفیه علمی» است و به دلیل نقش محوری وی، به نام «سلفیه آل‌بانی» نیز شناخته می‌شود. «فعالیت‌های وی تحرک جدیدی به گفتمان سلفی معاصر بخشیده است. تأثیر چشمگیر آل‌بانی بر سلفی معاصر صرفاً در حوزه تخصصی وی علم حدیث نبود بلکه شامل فقه، عقیده و آرای سیاسی و روشی نیز می‌شد.» (اکوانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۲) دعوت تحریری آل‌بانی عمومیت و شمول دارد که بر اساس نصوص و فهم از نصوص پایه گذاری شده، و بر همین اساس اندیشه وی توانست در بسیاری از کشورهای اسلامی نفوذ و

شاگردان بسیاری را از نحله‌های مختلف فکری به خود جذب کند. مثلاً می‌توان به برجسته‌ترین شاگردان وی در تونس مثل «شیخ بشیر بن حسن»^۱ و «کمال بن محمد بن علی المرزوقی»^۲ ملقب به «ابوالجهاد» اشاره نمود، یا از «عبدالرحمن عبدالخالق» عضو برجسته حزب التحریر در کویت نام برد، ابورمان از معروف‌ترین شاگردان وی است. او در مقاله‌ای به شاگردان و نزدیکان شیخ آلبانی اشاره می‌نماید که گستره جغرافیایی بزرگی را شکل می‌دهند و از آن جمله به «حمدی عبدالمجید» در عراق، «مقبل بن هادی الوادعی» در یمن، «ابو اسحاق الحوینی» در مصر، «سالم بن الشهاال» در لبنان، «محمد ابراهیم شقره» در اردن و «مدخلی» در عربستان اشاره می‌کند. عبدالرحمن عبدالخالق می‌گوید: «آلبانی درطول حیات خود هیچ‌گاه طرفدار گروه خاصی نبود و با گروه خاصی هم دشمنی نکرد و همه را نصیحت می‌کرد و به همین خاطر می‌بینید که شاگردان وی از اخوان المسلمین، جماعت حزب التحریر و... بودند و علت ایجاد نکردن یک فرقه خاص، این بود که همه گروه‌ها بتوانند از علم او استفاده نمایند.» (دینی، ۲۰۱۱: ۹)

شیخ ناصرالدین آلبانی (۱۹۱۴-۱۹۹۹) اصالتاً اهل آلبانی است و به همراه پدرش که از شیوخ حنفی بود در سال ۱۹۲۲ میلادی از آلبانی به دمشق مهاجرت کرد. در آن‌جا از اصلاح‌طلبانی مانند محمد عبده و رشید رضا تأثیر پذیرفت که این خود را در قالب مخالفت با تصوف و اسلام محلی و نیز مخالفت با تقلید و مذهب‌گرایی نشان داد. «تألیف نخست وی با عنوان تحذیر المساجد من اتخاذ القبور المساجد بیانگر همین رویکرد بود.» (مجنذب، ۱۹۸۶: ۲۹۰)

آلبانی گشودن باب اجتهاد را از اصلاح‌طلبانی مانند رشید رضا سردبیر المنار^۳

^۱ - شیخ بشیر بن حسن مفتی سلفی است که به خاطر مواضع جدیدش علیه سلفی وهابی مشهور است. او علیه خاندان آل سعود خصوصاً محمد بن سلمان ولیعهد سعودی نیز مواضعی سخت گرفته است. وی همچنین به تأسی از ابن تیمیه، شیعیان را رافضی می‌داند.

^۲ - المرزوقی تحصیلات دینی خود را نزد گروهی از مشایخ سلفی در مصر سپری کرد و تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه الأزهر گذراند. وی اخیراً بیانیه‌هایی را در سایت خود منتشر و در آن از عنوان «کمپین دفاع از هویت مسلمانان تونس» استفاده کرده است. این کمپین در مقابله با پدیده‌ای موسوم به «درخواست‌هایی مبنی بر لاییک بودن دولت و تصویب قانونی مربوط به بایکوت هویت اسلامی کشور» راه‌اندازی شده است.

^۳ - رشیدرضا اولین شماره مجله المنار در ۲۴ شوال ۱۳۱۵، در قاهره به چاپ رساند، او در ابتدا این مجله را بر سیاق مجله عروه الوثقی سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده به منظور افزایش آگاهی‌های مردم و گسترش اصلاحات اجتماعی و دینی راه‌اندازی نمود و شیوه اصلاح‌گری را پیشه کرد.

فراگرفت. هرچند آلبانی از اصلاح‌طلبان الهام گرفت، اما فاصله خود را با آنان در مورد کاربست عقل در نقد حدیث حفظ کرد.

نگرش روشی، علمی و تبلیغی شیخ ناصرالدین آلبانی تأثیر زیادی بر اندیشه سلفی معاصر گذاشته است. وی معتقد بود که این طرز نگرش در نهایت به شکل‌گیری حکومت اسلامی منجر خواهد شد. شیخ قائل به راه‌اندازی تشکیلاتی برای تحقق این نگرش نبود. آلبانی با نگرش سیاست‌پرهیزی می‌گفت: «دعوت ما ابتدا فرهنگ‌سازی و سپس کادرسازی می‌کند.» (آلبانی، ۲۰۰۰: ۱۳۶) هرچند که سیاست از دید شیخ آلبانی، جزو دین است و سیاست‌ورزی امری است که شرع به آن فرمان داده است، اما با این حال وی در فتواهای خود تأکید می‌کند: «سیاست (مداری) یعنی ترک سیاست.» و این روش و خط مشی بر خلاف نظر «شیخ محمد بن عبدالوهاب» بود «که برای به ثمر نشاندن نگرش تبلیغی خود تلاش کرد تا با یک قدرت سیاسی ائتلاف کند.» (شحاده، ۲۰۱۰: ۵۰)

۲-۳- بررسی مبانی اندیشه شیخ آلبانی

«آنچه سلفی مورد نظر آلبانی را از سایر جریان‌های سلفی معاصر متمایز می‌کند فراگیری و یکپارچگی و انسجام ساختار معنایی آن است، که وی از طریق فتواها، واکنش‌ها به مخالفانش و بیان دیدگاه‌هایشان بدان قوام بخشیده است. آلبانی احیاگری مدنظر خود را، راهی برای تغییر واقعیت دردناک و سرشار از شکست مسلمانان می‌داند؛ در نتیجه وی معتقد است که جوامع منتسب به اسلام، بر اساس آموزه‌های اسلامی حرکت نمی‌کنند.» (دینی، ۲۰۱۱: ۱۲)

شیخ آلبانی تلاش کرد با وارد کردن انگاره‌های جدیدی مانند «پالایش و تربیت» و «تبعیت» و «حدیث صحیح» و ارائه تعریف جدید از مفاهیم «ایمان و حاکمیت»، خود را به عنوان یکی از جریان‌های مطرح میان جریان‌ات سلفی در جهان عربی معرفی کند. او در واقع با بازتعریف انگاره‌های اسلامی، تعریفی از جریان خود به سوژه ارائه می‌دهد، که در ضمن به چالش کشاندن دیگر جریان‌ات سلفی مدعی تشکیل خلافت و حکومت شرعی، خود را به عنوان جریان راستین گفتمان سلفی مطرح می‌کند.

«این گفتمان در شرایط بحران جامعه عربی تلاش کرده است ضمن بازسازی فکر

سلفی، سوژه‌های سرخورده از وهابیت و خاندان سکولار سعودی را جذب کرده و مانع از گرایش سوژه‌ها به گفتمان‌های رقیب سیاست‌گرا مانند اخوان المسلمین و سلفیت جهادی و گفتمان لیبرال شود. به همین دلیل نیز گفتمان سلفی نظم معنایی خود را به گونه‌ای بازسازی کرده است که ساحت سیاست را منوط به بازسازی ساحت اجتماع می‌داند نه برعکس. از این رو گفتمان سلفی علمی دال‌های اساسی گفتمان سلفی را مورد خوانش مجدد قرار داده و به بازسازی منظومه معنایی آن اقدام کرده است.» (اکوانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۶)

الف) توحید

مفهوم توحید، اصلی‌ترین کلیدواژه در مبانی کلامی اندیشه سلفی است، به گونه‌ای که تمام انگاره‌ها در منظومه معنایی گفتمان آن‌ها بر اساس این مفهوم شکل می‌گیرد و توضیح داده می‌شود. مفهوم توحید، از جمله انگاره‌هایی است که هم نقطه تلاقی و هم نقطه انشعاب در میان جریانات سلفی است، چرا که هرکدام از این جریانات از این نقطه آغاز می‌کنند و تمام آن‌ها دعوت به توحید را مهمترین معروف می‌دانند، این نقطه تلاقی تمام جریان‌های مبتنی بر پارادایم اسلامی است، اما از سوی دیگر هرکدام بر اساس فهم خود توحید را تعریف می‌کنند که از این‌جا نقطه انشقاق میان این جریانات آغاز می‌شود. «در گفتمان آل‌بانی، منظور از توحید، که پیامبران بشر را به سوی آن خوانده‌اند و کتاب‌های آسمانی برای آن نازل شده است، اعتقاد به این امر است که الله سبحانه و تعالی، در پادشاهی و افعالش بی‌همتاست، در الوهیت و شایسته بندگی بودنش، یکتاست و هیچ شریکی ندارد.» (شحاده، ۱۳۹۵: ۶۶)

در اندیشه توحید محور آل‌بانی، توحید از یک جهت به دو قسم دسته‌بندی شده است: توحید در شناخت و اثبات وحدانیت خداوند؛ توحید در خواست و قصد.

«توحید نوع نخست به معنای اثبات حقیقت ذات ربّ العالمین (توحید ذاتی)،

صفات و اسما (توحید صفاتی) و افعال (توحید افعالی) اوست. توحید نوع دوم، توحید ارادی و قصد است؛ یعنی دعوت به عبادت خداوند سبحانه و تعالی (توحید عبادی)، خدای یکتا که شریکی ندارد و کنار نهادن هر چیز دیگری جز او که برای پرستش

برمی‌گزینند.» (موثقی، ۱۳۸۴: ۳۶)

در اندیشه آلبانی، انگاره توحید، معیار تمایز هویت خود از دیگر جریان‌های سلفی نیز است. آلبانی با تعریفی که از مفهوم توحید ارائه می‌دهد، دیگر جریان‌های سلفی را بدعت‌گزار تلقی می‌کند و تنها تعریف خود را از توحید می‌پذیرد؛

«چرا که آن‌ها تنها خود را دارای فهم درست از مسئله توحید می‌دانند و دیگران را نسبت به حقیقت فهم توحید جاهل توصیف می‌کنند. آن‌ها خود را تنها گروهی می‌دانند که بر محور اصول گرانسنگ توحیدی و مسائل مهم مربوط به آن متمرکز شده‌اند و هیچ‌گونه نقضی را در مسائل آن جایز نمی‌دانند (شحاده، ۱۳۹۵: ۶۷).

در کنار مفهوم توحید، ایمان از جمله انگاره‌هایی است که باعث تمایز و اختلاف سلفی آلبانی با دیگر سلفی‌ها شد. آلبانی برخلاف جریان‌های سلفی وهابی، ایمان را مسئله‌ای لسانی می‌دانست و معتقد بود که ایمان و عمل ارتباط مستقیمی با یکدیگر ندارند و لزوماً عمل و جواب ایمان را ثابت نمی‌نماید. همین تفسیر خاص او از انگاره ایمان بود که او را متهم به ارجاء و نزدیکی به اندیشه مرجئه^۱ می‌کردند.

آلبانی، به مانند مرجئه، ایمان را امری انتزاعی و بسیط تلقی نموده، و نقش ارتداد و نواقض ایمان را نادیده می‌گرفت. در حالی که دیگر جریان‌های سلفی، بر اعتقاد قلبی نیز به عنوان یکی از شاخصه‌های ایمان تاکید زیادی دارند. به‌طور مثال، ابن تیمیه در این باره می‌گوید: «در ایمان، قبول قلب و عمل قلب (مانند حب خداوند و رسول) و ... لازم است. همان طور که قبول بدن و عمل بدن نیز در ایمان لازم است.» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۸۶/ج ۷) یا ابن قیم جوزی می‌گوید: «اگر که عمل قلبی (فعل نفسی) زایل شود، حتی با اعتقاد صدق (به اصول ایمان)، اهل سنت اجماع دارند که این ایمان و تصدیق بدون عمل قلبی (فعل نفسی) زایل شده است.» (جوزی، ۱۹۹۶: ۵۱) در واقع دیگر جریان‌های سلفی خصوصاً خرده گفتمان‌های منتسب به وهابیت، با موسّع خواندن مفهوم کفر، دایره ارتداد را بسیار وسیع تعریف کردند و یکی از مبانی اختلافی

^۱ - عقاید مرجئه در باب ایمان عبارتند از: الف) مومن بودن تنها اعتراف به شهادتین است؛ ب) تفکیک میان اسلام و ایمان مفهومی ندارد؛ ج) انجام دادن گناهان کبیره در ایمان تاثیری ندارد؛ د) میان ایمان و عمل هیچ گونه ارتباطی وجود ندارد. (حسینی، ۱۳۹۳: ۷۴)

سلفی آل‌بانی با سلفی‌های جهادی به مفهوم کفر-ایمان مربوط است، به طوری که گروه‌های جهادی این مفهوم را به بحث حاکمیت گسترش دادند و آن را به یکی از محورهای خصومت بین جریان‌های سلفی معاصر تبدیل کردند. "ابوالمجد" در کتاب «گفتگو تقابل نیست» می‌نویسد: «مفهوم حاکمیت به یکی از مهم‌ترین محورهای تقابل بین گفتمان‌های سلفی معاصر تبدیل شده است، به گونه‌ای که از زمان توسل خوارج (در جنگ صفین) به شعار لاحکم الا لله تا به امروز منشأ فتنه و عامل اصلی اختلاف بین مسلمانان بوده است.» (ابوالمجد، ۲۰۱۳: ۱۴۹) آل‌بانی درباره رابطه ایمان و تکفیر و حاکمیت می‌نویسد:

«ما براین نکته واقفیم که بسیاری از این غلاتی که حاکمان را تکفیر می‌کنند، نسبت به آن جهل دارند. تکفیر حاکمان فقط فتنه به بار می‌آورد. واقعیت آن است که در سال‌های اخیر، خون بسیار زیادی از مسلمانان بی‌گناه به دلیل این فتنه بر زمین ریخته شده است. ... اگر بخواهیم حکومت خدا را بر روی زمین پیاده کنیم، آیا باید با حاکمان مبارزه نماییم؟ درحالی‌که ما توانایی آن را نداریم. یا اینکه باید به مانند پیامبر (ص) از آنچه که او شروع کرد آغاز نماییم؟ ما باید الزاماً با آموزش اسلام به مردم، شروع کنیم. پیامبر (ص) نیز بر همین اساس شروع کرد. البته ما نمی‌توانیم تنها به آموزش مردم بسنده کنیم، چراکه مسائلی در اسلام وارد شده است که متعلق به اسلام نیست. بلکه با هدف نابودی اسلام در آن وارد شده است.» (آل‌بانی، ۲۰۰۶: ۳۱-۳۲)

همین نگاه او درباره حاکمیت، دیدگاه ویژه‌ای را نسبت به سیاست و حکومت برای وی رقم زد. بر اساس این نگاه، او از پرداختن مستقیم به مسئله سیاست یا تکیه به راهبردی بلند مدت و سیاسی دوری می‌کند. او گفتمان سیاسی بنیان می‌نهد که می‌گوید فعالیت تبشیری و تبلیغی برای اسلامی کردن جامعه از پایه و بدنه، خود به خود به برپایی حکومت اسلامی منجر خواهد شد و نه برعکس. سیاست از دیدگاه آل‌بانی جزو دین است و سیاست ورزی امری است که شرع به آن فرمان داده است. با این حال شیخ آل‌بانی در فتاوهای خود تأکید می‌کند: «ترک سیاست عین سیاست (مداری) است.» (بن حسن، ۲۰۰۴: ۳۳)

نزد آل‌بانی، سیاست و فعالیت سیاسی در مفهوم مدرن آن نوعی بدعت و مبتنی بر اعمال کافران است. «شیخ شقره» در تبیین نظریه شیخ آل‌بانی می‌گوید: «در گفتمان سلفی، سیاست

موجود مذمومی شمرده می‌شود و پرداختن به سیاست جایز نیست.» (شقره، ۲۰۰۰: ۱۷۹) او در ادامه و در چرایی این موضوع می‌نویسد: «فعالیت سیاسی جزئی از اصول نظام اسلامی است و اما این برای زمانی است که اسلام دولت مشخصی داشته باشد. اما در این دوره انجام عمل سیاسی از جمله محذورات شرعی است چرا که با اصول عقیده و شریعت هم‌خوان نیست.» (شقره، ۲۰۰۰: ۱۸۴-۱۸۵)

در دیدگاه سلفی آلبانی، تعامل و ارتباط با دموکراسی حرام است چراکه دموکراسی نظامی کفرآمیز و وارداتی است که با شریعت اسلامی مغایرت دارد. شیخ آلبانی تاکید می‌کند که: «دموکراسی از نظر بنیان‌گذاران و باورمندان به آن، حکومت مردم بر مردم است و مردم منبع همه قدرت‌هایند و به همین دلیل است که دموکراسی با شریعت اسلامی و دین مغایرت دارد...؛ زیرا نظامی طاغوتی است و ما باید به طاغوت کفر بورزیم...؛ بنا بر این، دموکراسی و اسلام باهم تضاد دارند و جمع‌پذیر نیستند ... و به کسانی که می‌کوشند دموکراسی را در زمره نهاد شورا در اسلام قرار دهند نیز نباید اعتنا کرد.» (آلبانی، ۲۰۰۰: ۱۷)

از نظر او سیاست مانع تربیت و پالایش کامل سوژه‌ها پنداشته می‌شود. او اصل انتخابات را نیز امری حرام می‌داند و برهمین اساس، مشارکت در آن را برای مردان و زنان حرام می‌شمارد.

ب) تبعیت

بعد از مفهوم توحید که مهم‌ترین انگاره در منظومه گفتمانی تمام گروه‌های سلفی است، مفهوم تبعیت، یکی از کلیدواژه‌های اصلی جریان تبلیغی آلبانی است. به گونه‌ای که در هیچ رساله و یا کتابی از آلبانی نیست که در آن به مفهوم تبعیت اشاره نشده باشد. معنای اصلی تبعیت آن است که تنها، از پیامبر اکرم (ص) باید پیروی کرد. این امر تحقق عملی «اشهد ان محمد رسول الله» است. این شهادت، کامل نخواهد شد مگر با ایمان به این مسئله که محمد (ص) بشری مانند بقیه ابناء بشر است، جز آنکه به او وحی می‌شود. «او پیام‌آوری از سوی خداست که در کار تبلیغ خود از خود اختیاری ندارد. او دو وحی را آورده است: کتاب و سنت.» (شحاده، ۱۳۹۰: ۶۷) این شهادت دادن همچنین با حب پیامبر تکمیل خواهد

شد. شیخ «سلیم الهلالی» بر موارد یاد شده درباره تبعیت، ضرورت اقتدا و پیروی از خیرالقرون را نیز افزوده است. منظور از خیر القرون، بهترین دوران صدر اسلام؛ یعنی سه عصر نخست است که پیامبر نیز درباره آن گواهی داده است.^۱

هیچ کتاب یا رساله‌ای از شیخ آلبانی نیست که در آن خواننده به تبعیت از پیامبر و ترک بدعت فراخوانده و تشویق نشده باشد. خاستگاه این تشویق دیدگاه سلفی‌گری احیایی است که علت عقب‌ماندگی و انحطاط را وجود فرقه‌های بدعت‌گذار و اهل هوای نفس می‌داند؛ کسانی که به تحریف و عقاید و عبادات اسلامی پرداخته‌اند. در رأس این گروه‌ها، "اهل رأی"^۲ قرار دارند. به همین دلیل بهترین کسانی که سلف صالح را نمایندگی می‌کنند «اهل حدیث»^۳ اند؛ کسانی که در فرقه پیروز (ناجیه) تجسم یافته و به سنت پیامبر و اصحابش چنگ زده‌اند؛ بنا بر این، طرح اساسی سلفی‌گری احیایی آلبانی، از «اهل حدیث» آغاز می‌شود. اهل حدیث همان ریشه، منبع و مرجع مسائل اعتقادی و رفتاری‌اند. «طرفداران این مکتب بر این باورند که فقط خود آن‌ها روش سلف صالح؛ یعنی صحابه، تابعین و اتباع تابعین تا سده سوم هجری را در پیش گرفته‌اند.» (شحاده، ۱۳۹۵: ۶۷-۶۸) شیخ آلبانی بر این روش تاکید می‌کند و می‌نویسد:

«بدیهی است که من در اسلام به مذهب معینی مقید نیستم، بلکه هر آنچه از پیامبر (ص) به ثبوت رسیده باشد، در این مکتب وارد خواهیم کرد. مذهب محدثان گذشته و جدید نیز همین بوده است؛ بنا بر این، برای من کافی است که معتقدم همین، راه صحیحی است که خداوند مؤمنان را به پیمودن آن فرمان داده است. راهی که پیامبر اکرم محمد (ص) آن را تدوین کرد، و سلف صالح؛ یعنی صحابه و تابعین و نسل پس از آن‌ها، طی کرده‌اند.» (آلبانی، ۱۹۹۱: ۴۳-۴۴)

بر اساس مفهوم تبعیت، واژه «اتباع»، یکی از مفاهیم مهم گفتمان جریان آلبانی است. آلبانی در مورد اتباع و پیروی از سلف صالح می‌نویسد: «از این‌رو اتباع یا همان پایبندی به این

^۱ - منظور سه عصر نخست پس از هجرت است که به ترتیب عصر صحابه، تابعین و اتباع تابعین است و اهل سنت با استناد به حدیثی از پیامبر مبنی بر بهترین امت بودن این سه عصر، بر پیروی و تبعیت از آن‌ها تاکید می‌ورزند.

^۲ - اهل رأی به جریاناتی در گفتمان اسلامی اطلاق می‌شود که در تفسیر و قرائت متون دینی، به روش‌های عقلی متوسل می‌شوند، مانند معتزله و شیعه.

خط پاک، بیانگر اسلام صحیح است، اسلامی که تقلید و مذهب‌گرایی در آن جایی ندارد.» (آلبانی، ۱۹۹۱: ۴۵) «آلبانی، اتباع را پایبندی به کتاب و سنت می‌داندست.» (عبدالهلالی، ۱۹۹۹: ۳۹)

ج) پالایش و تربیت

مفهوم پالایش (پاکسازی) و تربیت، در اندیشه آلبانی، مهم‌ترین کاربرد عملی را دارد. از نگاه آلبانی، این تربیت و پالایش جامعه است که می‌تواند راه را برای دستیابی به مراحل بالاتر هموار سازد. از نظر شیخ آلبانی با پاکسازی و تربیت، می‌توان جهان را از مفاسدش رهایی بخشید و روح اسلام را به تمامی جوامع مسلمان بازگرداند. مراد از پاکسازی در این‌جا، تسویه اسلام از آلودگی و بدعت است که این عمل از طریق تربیت نسل جدید مسلمان حاصل می‌شود. آلبانی می‌گوید:

«بر عهده اهل علم است که تربیت نسل جدید مسلمان را در پرتو ثابتهات قرآن و سنت در پیش بگیرند، حق نداریم که مردم را به مفاهیم و اشتباهاتی که از گذشته به ما رسیده هدایت و دعوت نماییم؛ مفاهیمی که برخی از آنان قطعاً و به اجماع ائمه اهل سنت، باطل است، برخی نیز محل اختلاف است و جنبه‌ای از نظر، اجتهاد و رأی در آن وجود دارد. برخی از این اجتهادها و آرا مخالف سنت است. پس از تصفیه این امور و روشن کردن نقطه عزیمت و مسیر درست، می‌توانیم نسل جدیدی را بر اساس این علم صحیح تربیت کنیم. همین نوع تربیت است که جامعه ناب اسلامی را برای ما به ارمغان خواهد آورد و سپس حکومت اسلامی را برای ما برپا خواهد کرد؛ بدون این دو مقدمه؛ یعنی علم صحیح و تربیت صحیحی که بر مبنای این علم صحیح انجام شده باشد، به عقیده من بعید است که خیمه اسلام استوار یا حکومت اسلامی یا دولت اسلامی تأسیس شود.» (آلبانی، ۲۰۰۰: ۳۰-۳۱)

او برخلاف گفتمان وهابی معتقد بود که تمام سنت صحیح نیست و در سنت بدعت‌ها و انحرافات وارد شده است و این سنت باید تصفیه و پاکسازی شود. در واقع او با استفاده از مفهوم پالایش و تربیت، اندیشه خود را برای تأسیس یک حکومت اسلامی، تئوریزه می‌کند. او می‌نویسد:

«همان‌گونه که یکی از مبلغان اسلامی گفته است "دولت اسلام را در قلب‌هایتان برپا دارید، آنگاه اسلام دولتش را در سرزمین‌هایتان برپا خواهد کرد". بسیاری از مبلغان اشتباه می‌کنند که می‌گویند اکنون زمان پاکسازی و تربیت نیست، بلکه زمان تجمع و گردهمایی است. تجمع چگونه امکان دارد در حالیکه هنوز اختلافات زیادی در اصول و فروع وجود دارد.» (آلبانی، ۲۰۰۰: ۳۳)

۴- نقد و بررسی مبانی فکری و اندیشه شیخ آل‌بانی

به طور کلی سلفیه با اتخاذ موضع حس‌گرایی در هستی‌شناسی، نقل‌گرایی مبتنی بر ظاهر در بحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و مرجع قرار دادن فهم و قول و فعل سلف از یک‌سو و ناکارآمد جلوه دادن عقل و احکام و تأملات عقلی از سوی دیگر در حوزه معرفت دینی به نوعی دستخوش جمود فکری شده‌اند که نتیجه آن مهبجوریت در میان جریانات کلامی عصر حاضر است؛ زیرا ابتدای اندیشه بر مبانی فعلی و عملی سلف، بدون اجازه تاویل و تفسیر در آن‌ها، حرکت و پویایی را با چالشی جدی مواجه می‌سازد و یکی از مهم‌ترین دلایل تضاد و تخاصم میان سلفیان و مدرنیته همین ایستایی و نبود پویایی اندیشه‌های سلفی است چرا که سلفیان بر طبل بازگشت به گذشته می‌کوبند و مدرنیته رو به جلو و آینده حرکت می‌کند، حتی سلفیان با دیگر اندیشه‌های کلامی اسلامی نیز به همین دلیل دچار چالش و مشکل جدی‌اند. شحاده در این‌باره می‌نویسد: «فلسفه سلفی سنتی که از جمودی وحشتناک رنج می‌برد، مجموعه‌ای از آفات را میان جریانات اسلامی به جای گذاشته است. از جمله این آفات، تعصب، تحجر، جمود و حتی اعمال خشونت علیه مخالف است. بر این اساس، وقتی اختلاف نظری بین این گروه‌ها بروز می‌کند، سلفی‌گری سنتی یا به ابزار تکفیر پناه می‌برد، یا پشت سنگر مبارزه با بدعت موضع می‌گیرد.» (شحاده، ۱۳۹۵: ۷۹)

عدم اعتقاد به کارکرد عقل در حوزه معرفت دینی و تقلیل عقل تنها به درک گزاره‌های غیر دینی، یکی از اصول مهم در نظام معرفت‌شناسی سلفیه است. آن‌ها با تکیه بر نقل، خود را از استدلال عقلی بی‌نیاز می‌بینند، به طوری که «مبنای ایمان خود را اعتقاد به نص شرعی و ادله-ای که نص به آن‌ها اشاره کرده می‌دانند.» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶/ج ۲: ۱۶۸) بر این اساس قلمرو

عملکرد عقل در حوزه دین تنها به استنتاج‌های منطقی از آیات و روایات محدود است. همین نوع نگاه به رابطه عقل و نقل، از سوی سلفیان به حدیث و منابع روایی نیز تعمیم داده می‌شود. این روش به حدیث‌گرایی صرف و نص‌گرایی افراطی در میان سلفیان تبدیل شده است به گونه‌ای که در اندیشه آن‌ها احادیث مبنای فهم قرآن شده است «و به دیگر سخن بیانگر تقدم جایگاه حدیث و فهم سلف از سنت بر خود قرآن در نظام معرفتی سلفیان است.» (اله‌بداستی و میرزا ابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۹۲)

مehجوریت عقل و ناکارآمدی آن در مبانی فکری سلفیه، چنان تأثیری در حوزه معرفت دینی آنان به خصوص بحث توحید و خداشناسی گذاشته است که به تشبیه و تجسیم گرفتار آمده‌اند. آن‌ها خدا را غیب مطلق و مجرد تام نمی‌دانند و معتقدند «خدا در دنیا برای برخی افراد چون پیامبران الهی و در قیامت برای همه مردم با چشم سر قابل رؤیت است.» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶/ج ۱: ۲۳) مسئله تجسیم نه تنها در اندیشه تشیع بلکه در میان بیشتر اهل سنت هیچ جایگاهی ندارد. در میان اهل سنت «تنها عده‌ای قلیل از اهل حدیث، حشویه ... به جسم بودن خداوند بلاکیف معتقدند.» (مشکور، ۱۳۷۲: ۵۹)

علاوه بر این مبانی فکری سلفی که شیخ آل‌بانی در آن‌ها با دیگر سلفیان دارای اشتراکات عام نظری است، اندیشه‌های خود وی نیز به نوعی باعث انشقاق و اختلاف میان جریان‌های وهابی از یک‌سو و اهل سنت از سوی دیگر شده است. همان گونه که در متن اشاره شد، شیخ آل‌بانی تنها تعریف خود را از توحید می‌پذیرد و دیگر جریان‌های سلفی و اسلامی را به دلیل برداشتشان از مفهوم توحید، به بدعت متهم می‌کند. در اندیشه آل‌بانی، انگاره توحید، معیار تمایز هویت خود از دیگر جریان‌های سلفی است، «آل‌بانی تنها خود را دارای فهم درست از مسئله توحید می‌داند و دیگران را نسبت به حقیقت فهم توحید جاهل توصیف می‌کند... آن‌ها خود را تنها گروهی می‌دانند که بر محور اصول گرانشنگ توحیدی و مسائل مهم مربوط به آن متمرکز شده‌اند.» (شحاده، ۱۳۹۵: ۶۷)

در بحث انگاره ایمان نیز، او با تعریفی انتزاعی و بسیط از ایمان به اندیشه مرجئه بسیار نزدیک می‌شود و همین رویکرد آل‌بانی به مفهوم ایمان، یکی از دلایل اختلاف عقیدتی وی با دیگر سلفیان است. شاید مهم‌ترین انتقاداتی که از سوی دیگر سلفیان نسبت به شیخ صورت

می‌گیرد به دلیل نگاه وی به مقوله ایمان است. تفسیر او از دوگانه شرک/توحید و کفر/ایمان باعث اتهام وی به ارجاء می‌شود.

«مخالفان وی، او را به دلیل نوع نگاهش به دوگانه کفر-ایمان به ارجاء و نزدیکی به اندیشه مرجئه متهم می‌کردند؛ زیرا آل‌بانی معتقد بود که هر تفکری را تنها به صرف عملش و حکومت به غیر ما انزل الله نمی‌توان تکفیر کرد، بلکه باید به کفر بودن عملش نیز اعتقاد داشته باشد. او در این رابطه با دو گروه به مشکل اساسی برخورد کرد. نخست گروه سلفی جهادی-تکفیری که معتقدند حاکمیت از مسائل اعتقادی مهم و ترک آن کفر است. دوم گروهی که معتقدند مسئله ارتباط عمل با ایمان، از اصول گفتمان سلفی است و نه از فروع آن.» (دینی، ۲۰۱۱: ۱۱۶)

در نگاه بسیاری از سلفیان، شیخ آل‌بانی عالم حدیث بود و نه فقیهی برجسته که قدرت تأمل در مسائل و دگرگونی‌های تازه را داشته باشد. در واقع او از علوم انسانی و اجتماعی جدید شناختی نداشته است. علت آن نیز باید در دیدگاه سلفی احیایی او جست که کفایت کتاب و سنت را برای تحقق قیام و پیشرفت باور دارد و تأکید می‌کند که در این راه به چیز دیگری غیر از این دو نیاز نیست؛ بنا بر این، در نگاه وی، سلفی‌گری تنها تجسم بخش اسلام کامل است. به قول ابراهیم العسّس اندیشه‌های شیخ، «روش سلف را تحریف کرده و آن را به مسائل معینی فروکاسته و از واقعیت عینی جدا کرده است.» (العسّس، ۱۹۹۴: ۵۹)

از نگاه العسّس، شیخ در مبانی فکری نیز دچار اشکال است، او می‌گوید: آن‌ها تنها به آیات مربوط به توحید الهی توجه کرده و از شرک حاکمیتی غافل یا خود را به غفلت زده‌اند. شیخ و پیروانش در موضوع طاغوت نه تنها سکوت کرده‌اند، بلکه با مصادیق آن دوستی می‌کنند ... و دستورهای فقهی سلف در زمینه نحوه تعامل با قدرت حاکم را بر زندگی ما فرومی‌گذارند.» (العسّس، ۱۹۹۴: ۴۸)

شیخ آل‌بانی تنها محدث سلفی است که به اندیشه‌های ابن تیمیّه خرده می‌گیرد و به نگاه عبدالوهاب به اصول فقهی و سیاسی می‌تازد اما مخالفانش از همه طیف‌های اهل سنتند و ردیه‌های مطولی علیه او نگاشته شده است. مثلاً «ابن صدیق غماری» از علمای اهل سنت، آل‌بانی را خائن و بدعت‌گذار معرفی می‌کند و می‌گوید: «آل‌بانی، شخصی است که در تصحیح و

تضعیفش، مورد اعتماد نیست، او انوعی از تدلیس و خیانت در نقل و تحریف کلمات علما دارد ... که این به نادانی او به علم اصول و قواعد استنباط باز می‌گردد ... او مدعی مبارزه با بدعت- هاست اما خودش بدعت‌گذار است ... اجتهدات غلطش و حيله‌گری و خیانت آلبانی در تصحیح و تضعیف احادیث، به خاطر پیروی وی از هوای نفسش است.» (غماری، ۱۴۱۲: ۲۱-۲۲)

به دلیل نگاه سیاست‌پرهیز و متساهل شیخ، در میان منابع فارسی کسی به نگاه شیعه‌ستیز وی توجهی ننموده است اما او حضرت امام^(ه) را بدعت‌گذاری می‌داند که در کفر و گمراهی است. او در دروس خود شدیداً به شیعیان می‌تازد و در پاسخ به سؤالی می‌گوید: «تزد ما وهابیان، در این که روافض بیشتر علمایشان مانند [امام] خمینی در کفر و گمراهی‌اند شک نداریم.» (دینی، ۲۰۱۱: ۹۸) یا در اتهامی دیگر، شیعیان را به تحریف در آیات قرآن متهم می‌کند و می‌گوید: «اهل بیت طبق صریح آیه تطهیر، در واقع همان زنان پیامبر (ص) اند و اینکه شیعیان آن را به علی و فاطمه و حسن و حسین اختصاص می‌دهند و شامل زنان پیامبر (ص) نمی‌دانند، از تحریفات شیعه نسبت به آیات خداست تا هواهای نفسانی خود را یاری دهند.» (آلبانی، ۱۹۹۷: ۲۱۳)

آلبانی با طرز نگاهش به سیاست به جنبش‌های پارسامنش مانند جماعت تبلیغ نزدیک می‌شود، جنبش‌هایی که توجه مستقیمی به سیاست ندارند و آن را ثمره‌ای می‌دانند که سیاست‌های اسلامی کردن جامعه و تأثیرگذاری بر بدنه توده‌های پرجمعیت اجتماعی خود به خود محقق خواهد کرد.

در نگاه کلی نسبت به اندیشه‌های شیخ آلبانی باید گفت که او اصولاً مشخص نمی‌کند که اسلام چیست یا اسلام چه چیز نیست؟ او اسلامیت اسلام را اسلام تعریف نمی‌نماید و به نظر می‌رسد که فقط به‌عنوان یک اشتراک لفظی از مفهوم اسلام استفاده می‌نماید و از سوی دیگر او در اندیشه تأسیس حکومت اسلامی جهت یک زیست فراگیر اسلامی بر مبنای شیوه سلف است و باید گفت که بازسازی و احیای شیوه سلف از لحاظ تاریخی تحقق‌پذیر نیست، نمی‌توان صور زندگی پیشین را در زیست جهان امروز بازتعریف و بازسازی کرد، صور زندگی پیشین متعلق به گذشته است و در زمان حال امکان تجدید حیات را بر همان سیاق ندارد و این چیزی است که در اندیشه سیاسی شیخ آلبانی، یک توهم بزرگ است که می‌تواند جهت فریب سوره‌ها به کار گرفته شود.

نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش تحقیق باید گفت که، شیخ آلبانی و جریان منتسب به او، با شعار و فتوای «سیاست (مداری) یعنی ترک سیاست» و با استفاده از انگاره‌های «توحید»، «تبعیت» و «تصفیه و پالایش»، به تبیین اندیشه‌های خود پرداخته‌اند. آن‌ها با آرمان تشکیل حکومت اسلامی از راه تربیت نسل جدید مسلمان و پالایش دین از بدعت‌ها، به دنبال تحقق دوباره زیست فراگیر اسلامی بودند. در واقع شیخ آلبانی و پیروانش معتقدند که با استفاده از این انگاره‌ها، می‌توان جامعه را به گونه‌ای به سوی اصلاحات ساختاری سوق داد، که حکومت به تدریج به سمت حکومت اسلامی تغییر کند و این مطلوب نهایی در اندیشه سلفی علمی است.

شیخ آلبانی با زنجیرواره‌ای از انگاره‌های موجود در بنیادگرایی اسلامی و بازتعریف آن‌ها از جمله انگاره‌های توحید، تبعیت و ایمان تلاش نمود تا به جریان سلفی علمی، هویتی مستقل از جریانات سلفی وهابی بخشد و به همین خاطر هم به طرد و تخاصم با جریانات وهابی پرداخت و آن‌ها را به واسطه انتساب به حکومت آل سعود، بدعت‌گزار تلقی می‌کرد. شیخ آلبانی با برجسته‌سازی این انگاره‌ها و انتساب فهم صحیح و کامل این انگاره‌ها به خود، تنها خود و پیروانش را قادر به درک این مفاهیم دانست و دیگر جریان‌های سلفی را به واسطه نوع برداشتشان از این مفاهیم، طرد می‌نمود. او با واسطه ارائه مفاهیمی خاص از انگاره‌ها، در پی ایجاد حوزه مشروعیت سازی برای اندیشه خود بود، مشروعیتی که زیربنای حکومت اسلامی مورد نظر او را توجیه می‌کند.

در زمینه عملکرد سیاسی، آلبانی و پیروانش تعریف جدیدی از نحوه سیاست‌گرایی و تشکیل حکومت ارائه دادند. آن‌ها واگرایی سیاسی را به عنوان خط مشی پیشه کردند. اما این واگرایی سیاسی به معنای سکولاریزه شدن گفتمان سلفی علمی نیست بلکه از دید آن‌ها به یک راهبرد مشخص منتهی می‌شود. این راهبرد مشخص، بر این باور استوار است که سیاست برپایه اصلاح بدنه جامعه است، که در آینده به اصلاح دولت و در آینده دور، به برپایی خلافت اسلامی منجر خواهد شد.

فهرست منابع

- آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۹۹۱)، *مختصر العلو للعلی الغفار*، تألیف الحافظ شمس الدین الذهبی، المكتب الاسلامیه، بیروت، الطبعة الثانية.
- آلبانی، محمد ناصرالدین (۱۹۹۷)، *التکفیر و الحکم بغير ما انزل الله*، ریاض، دار ابن خزیمه للنشر و توزیع، الطبعة الثانية.
- آلبانی، محمد ناصرالدین (۲۰۰۰)، *التصفیه و التریبه و حاجه المسلمین الیه*، المكتبة الاسلامیه، الطبعة الاولى.
- آلبانی، محمد ناصرالدین (۲۰۰۶)، *المقالات السنیه فی حزب التحریر و الجماعات و التکفیریه*، ریاض، دار البحوث و الدراسات الماصره و التراجم، الطبعة الاولى.
- آلبانی، محمد ناصرالدین (۲۰۱۳)، *الدعوه السلفیه اهدافها و موقفها من المخالفین لها*، جمع و اعداد عصام هادی، الرابط www.almeshkat.net کد منبع: ۱۲۴۵۷۷.
- احمدوند، شجاع (۱۳۸۴)، *قدرت و دانش در ایران*، تهران، فرهنگ اندیشه.
- ابوالمجد، احمد کمال (۲۰۱۳)، *حوار لا مواجهه*، القاهرة، دارالشروق.
- ابورمان، محمد و حسن ابوهنیه (۲۰۱۲)، *الحل الاسلامی فی الاردن، الاسلامیون و دوله و رهانات الیدیمقراطیه و الامن*، اردن، مؤسسه فردریش ایبرت.
- ابن تیمیه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، *مجموع الفتاوی*، مدینیه نبویه، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشریف.
- الحلبي، علی بن حسن بن عبدالحمید (۲۰۰۷)، *مسائل العلمیه فی الدعوه و السياسه الشرعیه*، الكويت، مكتب ابن القيم.
- الگار، حامد (۱۳۸۶)، *وهاپیگری*، ترجمه احمد نمائی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- الکثیرى، السید محمد (۱۴۲۹ق)، *السلفیه بین اهل السنه و الامامیه*، بیروت، دارالغدیر.
- پورامینی، محمدباقر (۱۳۹۶)، *بنیاد تفکر سلفی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- جوزی، ابن قیم، (۱۹۹۶م)، کتاب *الصلاحه*، تحقیق، تیسیر زعیترا، لبنان: دارالنشر.
- دینی، یوسف، (۲۰۱۱)، *رمائح الصحائف: الاحتراب علی تمثیل سلفیه بین الالبانیه و خصوصها*، فی مجموعه باحثین، الدوحه: مرکز المسبار للدراسات و البحوث.
- شقره، محمدابراهیم، (۲۰۰۰)، *هی السلفیه: نسبه و عقیده و منهاجا*، من دون نشر، الطبع الثانيه.
- شحاده، مروان، (۱۳۹۵)، *سیرگفتمان سلفی‌گری؛ ترجمه محمدکاظم جعفری*، تهران: انتشارات سروش.
- عبدالهلالی، سلیم، (۱۹۹۹)، *لماذا اخترت المنهج السلفی*، دارالحديث، الطبعه الاولى.
- العسوس، ابراهیم، (۱۹۹۴)، *السلف و السلفیون: رویه من الداخل*، ابوظبی: مرکز النشره، الطبع الثانيه.
- غماری، عبدالله، (۱۴۱۲ق-۱۹۹۲م)، *إرغام المبتدع الغبی بجواز التوسل بالنبی(ص)*، تحققی: حسن بن علی السقاف، الأردن: دارالإمام النووی.
- کویک، فوبلی و دیگران، (۱۳۷۶)، *تاریخ معاصر کشورهای عربی*، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران: توس.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۲)، *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد: آستان قدس.
- موثقی، احمد، (۱۳۸۴)، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، تهران: انتشارات سمت.

مقالات

- ابراهیمی، نبی الله، (۱۳۹۶)، «نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۶۷-۸۹.
- اکوانی، حمداله، منصور امیراحمدی و مهدی عوض‌پور و علی‌رضا سمیعی اصفهانی (۱۳۹۶)، «گفتمان سلفیه علمی»، سیاست پرهیزی و واسازی سلفیت وهابی، *فصلنامه دانش سیاسی*، شماره ۲۵، صص ۴۱-۶۹.
- اله‌بداستی، علی و امیرحسین میرزا ابوالحسنی، (بهار ۱۳۹۵)، «تحلیل و نقد دیدگاه سلفیه در ارزش معرفت‌شناختی عقل در حوزه معرفت دینی»، تهران: *مجله قبسات*، سال بیست و

یکم، صص ۸۵-۱۱۰.

- حسینی، سید محمدرضا (زمستان ۱۳۹۳)، «بررسی و نقد ایمان در نگاه مرجئه»، فصلنامه فلسفه دین، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۷۴-۹۵.
- روحانی، سید مهدی (بهار ۱۳۸۰)، «فرقه السلفیه و تطورتها فی التاريخ»، علوم حدیث، شماره ۲۱، صص ۱۷۴-۱۷۸.

منابع اینترنتی

- عصام العماد (۱۳۹۱)، «ابعد پیدا و پنهان سلفیه آلبانی»، خبرگزاری رسمی حوزه، به تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲۱؛ کد خبر: ۲۸۹۹۲۲.

<http://www.hawzahnews.com/news/289922/>

منابع لاتین

- Dijk, T. Van. (1993). **Principle of Critical Discursive Analysis**. Discourse & Society. No.4.
- Ivie, R. (1986). **Images of Savagery in American Justification for War**. Bloomington : Indiana Up.

An Analysis of the Manifestations of Fundamentalist Ideas in the Discourse of the Sheikh Al-Albani' Views (Scientific Salafism)

Aliakbar Cheheltanan,¹ Alireza Golshani,² Mohammad Agah³

Abstract

The scientific Salafist discourse is based on the belief that there is a failure in the community derived from ideological and worship deviation is formed. So, the most important goal of scientific Salafism is to redefine Islamic biodiversity, believing that change in policy is subject to the reconstruction of the community. According to the leader of this movement, this strategy will lead to the reform of society in the future and later to the formation of Islamic rule.

This movement seeks to rebuild the social arena with a view to bringing about change in the political arena, using three notions of "monotheism," "obedience," and "refinement", and then, by educating the people of the community, provides the groundwork for the formation of an Islamic state. The purpose of this research is to examine the concepts used by Sheikh Albani' movement, the ideas that Albania borrowed from the early days of Islam and redefined them by assigning them a specific function. The main question of the research is: How does Sheikh Albani' movement define and explain its intellectual and epistemic foundations? Our hypothesis is that: Sheikh Albania is trying to create legitimacy for the formation of an Islamic state by using these ideas.

A descriptive-analytic method is used in this study. The data collection tool is a library that includes a review of books, journals, articles, online and multimedia resources.

Keywords: Salafism, Al-Albani Salafi, monotheism, Education and refinement, obedience and faith.

¹. Department of Political Science, Shahreza Branch, **Islamic Azad University**, Shahreza, Iran; ali.cheheltanan@yahoo.com

². Associate professor of Islamic Azad University, Shahr Reza; agolshani41@yahoo.com

³. Assistant professor of Islamic Azad University, Shahr Reza; mohammadagah67@yahoo.com